

نبرهای قرآنی (۳)

ویژه ماه مبارک رمضان

ارویشت ۹۹

معاونت فرهنگی - تبلیغی

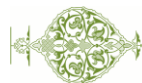
مرکز مدیریت حوزه های علمیة خاوران





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





جلسه سوم

مسأله شرعی:

انسان و سعادت طلبی

چند وقت پیش، فیلم مستندی دیدم درباره داعش (ایرانی‌های مرتد). نشان می‌داد که تکفیری‌ها در یک روز ۱۷۰۰ جوان را با مشت و لگد و شکنجه لب رودخانه آوردند، تیر خلاص به سرشان می‌زدند و داخل رودخانه می‌انداختند (ماجرای قتل عام دانشجویان پایگاه اسپایکر).

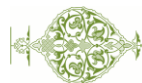
در این مستند با یکی از داعشی‌ها که در این قتل عام دست داشت و دستگیر شده بود، مصاحبه کردند. پرسیدند: شغلش چه بود؟ گفت: حمال (باربر) بودم. درباره ایرانی‌ها از او سؤال کردند، گفت: ایرانی‌ها مرتد و مجوسی هستند! یعنی از دین خارج شدند، مشرکند و باید کشته شوند! بعد پرسیدند: اگر الان یک ایرانی را پیش تو بیاورند و دستت باز باشد، چه کار می‌کنی؟ خیلی آرام و عادی، بدون ترس و دلهره گفت: سرش را می‌برم! این‌ها را در حالی می‌گفت روی صندلی با لباس اسارت نشسته بود! پرسیدند: چرا به اسرائیل و یهودی‌ها کاری ندارید؟! گفت: نمی‌دانم. به ما یاد ندادند.

تأثیر جهل بر سرنوشت دنیوی و اخروی

این «نمی‌دانم» یک کلمه است، اما خیلی از بدبختی‌ها، مشکل‌ها و اشتباه‌های انسان را رقم می‌زند. این «نمی‌دانم» یک کلمه است، اما وقتی مسائل اساسی زندگی انسان با «نمی‌دانم» و ندانم‌کاری پیش برود، هستی انسان به باد می‌رود. اساسی‌ترین دغدغه انسان چیست؟ سعادت و کمال. اگر از داعشی‌ها بپرسیم که چرا سر می‌بری و آدم می‌کشی؟ می‌گویند: برای اجرای دستور خدا. یعنی این آدم سعادت خودش را در کشتن دیگران پیدا کرده! همانطور که قاتلان سیدالشهدا (ع) قربةً الی الله روزه گرفتند و جنایت کردند! همانطور که ابن ملجم اشقی‌الأشقیاء، شب ۲۱ رمضان دنبال سعادت و اجرای حکم خدا بود.

«نمی‌دانم»، می‌تواند سعادت را تبدیل به شقاوت کند. پس یکی از نیازهای اساسی انسان شناخت و دانستن است. اگر انسان جاهل باشد، حتی با خدا دشمنی می‌کند. حضرت امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا»؛ مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند. این حدیث فقط برای مسلمان‌ها نیست. حتی اگر بی‌دین باشیم باید از خودمان بپرسیم، آیا من خودم را می‌شناسم؟ اگر نمی‌شناسم و نمی‌دانم کدام راه من را به سعادت می‌رساند، با خودم دشمنی می‌کنم و تیشه به ریشه خود می‌زنم.

پس انسان برای خوشبخت شدن، نیازمند دانستن و یاد گرفتن است؛ زیرا شناخت بر عمل مقدم است. همانطور که جهل بر دشمنی کردن -چه قلبی و چه عملی- مقدم است، شناخت و معرفت هم بر طی کردن راه سعادت مقدم است. قبل از عمل باید بداند و معرفت درست داشته باشد، اگر نداشته باشد سرنوشتش مثل داعشی‌ها می‌شود. اما سؤال اینجاست که انسان برای شناخت راه سعادت باید چه کار کند؟ از چه کسی باید یاد بگیرد؟



چهار حالت دارد. من یکی یکی می گویم شما بگوید خوب است یا بد؟^۱

۱. از نادان تر از خودش یاد بگیرد خوب است؟ آدم نادان تر، نیازمندتر است. گفت کل اگر طبیب بودی، سر خود دوا نمودی؛

۲. از کسی مثل خودش یاد بگیرد خوب است؟ این کار مشکلی را حل نمی کند. می شود حکایت «کوری عصاکش کور دگر شد!»؛

۳. هر چه خودش تشخیص دهد خوب است؟؛ با این کار سردرگم می شود؛ اولاً علم کافی ندارد! ثانیاً خواسته ها و سلیقه ها یکی نیست و هرج و مرج می شود.

۴. به کسی که آگاه است مراجعه کند خوب است؟ قطعاً ... (فلسفه مسأله تقلید هم همین است، همین چهار فرض مطرح می شود).

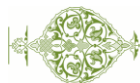
کدام برنامه سعادت؟

پس اگر سراغ کسی برویم که می داند سعادت چیست و راهش چیست، به مقصد می رسیم. چه کسی بهتر و بیشتر از دیگران می داند؟ کمونیست های منقرض شده؟ لیبرال های دزد که ماسک های همدیگر را روی هوا می قاپند و غارت می کنند؟ مارکسیست ها؟ عرفان حلقه؟ مدعیان ظهور؟ اسلام آمریکایی و لائیک؟ اینها که در اولیات اخلاقی مانده اند! ارزش ها و عقایدشان نسبی است، یقینی نیست، همراه ظن گمان است. یعنی چه؟ یعنی تا وقتی برایشان منفعت داشت. اگر پلیس و ناظر بالای سرشان باشد، قانون را رعایت می کنند! چرا؟ چون اصالت با لذت مادی است؛ اصالت با قدرت است. هر که زورش بیشتر بود، حق زندگی دارد و دیگران باید زیر پایش له شوند. بزرگان شان هم غرق در فساد جنسی، مالی اقتصادی و سیاسی اند. آنهایی هم که به آخر خط می رسند خودکشی می کنند. آنهایی هم که ادعای آزادی دارند، در آغوش جنایتکاران عالم زندگی و بلکه جیره خواری می کنند.

محصول پیروی از متفکران غیرتوحیدی را ببینید: فروشگاه های غارت شده بعد از کرونا را ببینید! اصالت انسان و اومانسیم این است! جنگل منظم را ببینید که اهالی اش برای امان از غارت شدن برای خرید اسلحه صف می کشند! این محصول زندگی بدون خدا و پیروی از انسان های دیگر برای رسیدن به سعادت است. که البته در کشور ما هم هست؛ بعضی محصول مسموم غیراسلامی را بر اسلامی ترجیح داده اند، به همین خاطر اختلاس، رشوه، طلاق، بی حجابی و ... زیاد شده. چرا؟ چون عده ای تصور می کنند اگر شبیه غربی ها یا شرقی ها شویم، مملکت آباد می شود. احساس می کنند دنیا آباد شود، همه کارها درست می شود. در حالی که ته خط کشورهای جهان اول، شده دزدیدن دستمال توالت!

در برابر اینها محصول قرآن را ببینید که طمع و قدرت را راه لذت بردن از زندگی و سعادت نمی داند. به همین خاطر امام حسین (ع): «الْمَعْرُوفُ بِقَدْرِ الْمَعْرِفَةِ؛ نیکی کردن، به اندازه علمست»؛ هرچه معرفت بیشتر شود به مردم خیر می رسانی؛ اگر دنبال سعادت هستی، به مردم نیکی کن! این اسلام است که به مردمش «رزمایش همدلی» را توصیه می کنند. پیروانش غارت مردم را پلّه صعود به سعادت نمی دانند؛ دنبال زندگی انسانی ایمانی هستند، نه زندگی حیوانی مادی صرف. شهید سلیمانی ره را ببینید که به وصیت امام علی (ع) عمل می کند؛ دشمن ظالمان و جنایکاران و یاریگر مظلومان است.^۲





عزیزان من! درد مردم دنیا ندانستن راه سعادت است. دنباله‌روی از مکاتبی است که حق را نمی‌دانند و دور خودشان می‌چرخند؛ با شک و گمان زندگی می‌کنند و به پوچی می‌رسند. قرآن می‌گوید: «وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا؛ گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند». سعادت حقیقی را بیابید. این درد را چه کسی می‌تواند درمان کند؟ درمانگر ما همان کسی است که به پیامبر گفت: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»^۵. خالق هستی، طبیب ماست؛ می‌داند چگونه خلق کرده است، پس می‌داند که چگونه درمان کند؛ کریمانه درمان می‌کند و در بیان راه سعادت بخل نمی‌ورزد؛ ابزار درمان را در اختیارمان گذاشته است؛ و آنچه را که باید بدانیم در همین قرآنی که بر پیامبر نازل شد، یادمان داده است.

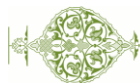
شناخت راه سعادت را باید از راه بهداشتی یاد بگیریم و الا به کرونای معنوی مبتلا می‌شویم. چون بیماری معنوی هم میکروب است؛ بلکه خطرناک‌تر و کشنده‌تر است. کشته‌های کرونا هنوز به میلیون نرسیده، اما وقتی کرونای معنوی داشته باشی، در یک لحظه با یک بمب اتم یک شهرها را به آتش می‌کشی، نسل‌کشی می‌کنی؛ پُر مهر و محبت مسیحی بودن را می‌دهی، اما جنگ جهانی راه می‌اندازی و دهها میلیون انسان را برای هیچ، به کشتن می‌دهی. برای همین قرآن می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم! شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است».

همانطور که برای شکست کرونا باید به مصوبه‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا پایبند باشیم، برای شکست کرونا معنوی و رسیدن به سعادت هم باید به مصوبه‌های ستاد الهی مبارزه با کرونای معنوی عمل کنیم؛ یعنی به تعالیم دین، به حرف‌های قرآن. کرونا معنوی و روحی را باید مصوبه‌های الهی شکست دهیم؛ با قرآن و حدیث؛ با پیروی از مرجع تقلید. اگر احساس بی‌نیازی کنیم، کرونای معنوی می‌گیریم؛ جلسه پیش گفتم طغیان می‌کنیم.^۷

البته اگر فقط بروشور مراقبت از کرونا را بخوانیم، اما نظافت و بهداشت فردی را کنار بگذاریم، از کرونا در امان نمی‌مانیم. «عالم بی‌عمل چون زنبور بی‌عسل». پس صرف شناخت هم کافی نیست. به خاطر همین امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ وَ عَمَلٌ وَ الْإِسْلَامُ إِقْرَارٌ بِلَا عَمَلٍ»؛ ایمان اقرار زبانی همراه با عمل است، و اسلام اقرار زبانی بدون عمل. بعضی آدمها مسلمان شناسنامه‌ای هستند، بد نیست؛ این هم خدا قبول می‌کند، اما اینها مسلمانند، مؤمن نیستند. ته ته زندگی‌شان معلوم نیست به آرزوهای معنوی‌شان برسند؛ در خسرانند.

راهکارهای دستیابی به سعادت و رسیدن به آرزوها

سعادت انسان رسیدن به آرزوهای معنوی حقیقی را رقم می‌زند، نه آرزوهای ظاهری و پوچ را. هر کسی آرزوی معنوی خودش را در این ایام دنبال کند. اوقات سحر و افطار که وقت برآورده شدن دعاست، به آرزوهای معنوی‌اش اولویت بدهد. هنگام جزءخوانی، هنگام نماز، هنگام روضه و توسل و ... خلاصه اینکه ببینیم دلمان کجا بند شده. دلمان هر جا بند شد و آرزو کردیم، بنده همانیم. اگر شهید سلیمانی ره و ابومهدی مهندس دل خدا را به دست می‌آورند، به خاطر این است که دلشان بند به مرکز معنویت عالم است. خدا آیت‌الله العظمی بهاءالدینی (ره) را با همنشین امیرالمؤمنین و فرزندان (ع) گرداند!



فرمود: «بندۀ آنی که در بند آنی». هرچا، هرچه را که آرزو کنیم، ثبت و ضبط می‌شود.

پس اگر مؤمن نباشیم در خسرانیم. فرمود: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^۹. یعنی «به عمل کار برآید به سخندانی نیست». ایمان بدون عمل صالح، بدون گفتن حقایق و توصیه به آنها، و بدون صبر داشتن و توصیه به صبر، کارساز نیست. هرچه این ایمان، عمل صالح، سفارش به حق و صبر بیشتر باشد، خسران کمتر می‌شود. مصادیق ایمان، عمل صالح، سفارش به حق و صبر در ماه رمضان چه چیزهایی است؟ چند مورد را عرض می‌کنیم:

۱. عبادت، دعا و توسل، به ویژه دعای زمان غیبت که در مفاتیح هم آمده. همان که زراره از امام صادق (ع) پرسید: اگر در زمان غیبت بودیم چه عملی انجام دهیم؟ فرمود: این دعا را: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^{۱۰}.

۲. تفکر، البته نه درباره قرض و قوله و همسر آینده و شهریه دانشگاه و بدهی مشتی فلانی! بلکه درباره نظام خلقت. اگر کسی اهل تفکر باشد، از خلقت شتر هم عبرت می‌گیرد^{۱۱}؛ چه رسد به خلقت انسان. چه رسد به عجایب دریاها و اقیانوس‌ها و عظمت ستارگان و سیاره‌ها^{۱۲}. حضور در مساجد و هیأت‌ها هم جزو همین تفکر محسوب می‌شود. همچنین پای حرف عالم، مفسر، مرجع تقلید نشستن. البته دیدن عالم ربانی باشد، عبادت هم محسوب می‌شود.

۳. مراقبه. قرآن کریم می‌فرماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»^{۱۳}؛ آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند، پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [به طوری که] زندگی آنها و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند». ۴ مورد بالا آیشان با گناه در یک جوی نمی‌رود. مراقب خوبی‌هایمان باشیم.



^۹ عصر، ۳.
^{۱۰} الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.
^{۱۱} «فَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (عاشیه، ۱۷).
^{۱۲} درک: هیچ ابلاغه، خطبه ۴، ذیل خلقت عالم.
^{۱۳} جاثیه، ۲۱.



دعای پایانی (پیشنهادی)

خدایا به ما علم نافع عنایت کن! عاقبت ما را مثل عاقبت جاهلان قرار مده! خدایا به بهار قرآن، دلپهای ما را تا آخر عمر قرآنی قرار بده! خدا سعادت دنیا و آخرت را نصیب این مردم و رهبرشان کن! خدا با ظهور فرزند زهرا (ع) راه سعادت را برای ما هموار کن! رب صل علی محمد و آل محمد!